



علمدار کربلا چگونه جانش را فدای امامش کرد؟ فیلم

روز نهم محرم الحرام بنابر سنت عزاداری عاشورایی متعلق به ساقی لب تشنگان حضرت ابوالفضل العباس (ع) است. علمدار کربلا که حتی برخی از اقلیت های مذهبی نیز به ایشان دل بسته‌اند، از بزرگ ترین نمادهای ایثار است.

روز نهم محرم الحرام بنابر سنت عزاداری عاشورایی متعلق به ساقی لب تشنگان حضرت ابوالفضل العباس (ع) است. علمدار کربلا که حتی برخی از اقلیت های مذهبی نیز به ایشان دل بسته‌اند، از بزرگ ترین نمادهای ایثار است.

در روز نهم محرم «شمر بن ذی الجوش» از سوی عبیدالله بن زیاد مامور شد که اگر «عمر بن سعد» از دستور سرپیچی کرد، خود فرماندهی را برعهده بگیرد و به امام علیه السلام حمله کند. وی که از قبیله «فاطمه ام البنین» بود و نسبت دوری با حضرت عباس علیه السلام و برادرانش داشت امان نامه ای از عبیدالله گرفت تا به خیال خود آنان را از حسین علیه السلام جدا کند و هم، باعث ضعف امام علیه السلام گردد و هم جان بستگانش را نجات دهد!

شمر در واپسین ساعات روز نهم محرم به نزدیکی خیمه های امام علیه السلام آمد و فریاد زد «خواهرزادگان من کجا هستند؟» عباس، عبدالله، جعفر و عثمان بیرون آمدند و گفتند: «چه می خواهی؟» شمر گفت: «برایتان امان نامه آورده ام. شما در امانید!» چهار جوان پاسخ دادند: «لغت بر تو و بر امان تو. آیا ما را امان می دهی و فرزند پیغمبر در امان نباشد؟!...» و عباس بانگ برآورد: «دستت بریده باد که چه بدامانی آورده ای! ای دشمن خدا، آیا می گویی برادر و سرور خود حسین پسر فاطمه را رها کنیم و در فرمان لعینان و لعین زادگان در آییم؟». شمر خشمناک به لشکر دشمن بازگشت.

عصر عاشورا، هنگامی رسید که تمامی اصحاب و خاندان امام علیه السلام به شهادت رسیدند و فقط حسین و عباس علیهما السلام- باقی مانده بودند. عباس چون تنهایی برادر را دید، نزد امام آمد و گفت: «ای برادر! آیا رخصت می دهی به جهاد روم؟» امام سخت بگریست و گفت: «برادرم! تو علمدار منی و اگر بروی کاروان پراکنده می شود».

عباس پاسخ داد: «سینه ام تنگ شده و از زندگی بیزارم و می خواهم از این منافقین خونخواهی کنم». عباس از سوی لشکر دشمن رفت و آنان را نصیحت و تحذیر کرد ولی در دل سنگ آنان اثری نگذاشت. پس به سوی خیمه ها آمد و خبر به برادر داد. در همین حین صدای دلخراش کودکان را شنید که از تشنگی فریاد می زدند: «العطش، العطش». سپس بر اسب نشست، نیزه و مشک برداشت و رجزخوانان آهنگ فرات کرد در حالی که می خواند:

لا اربھ الموت اذا الموت زقا *** حتی اوارى فی المصالیت لقا
نفسی لنفس المصطفی الطھر وقا *** انی انا العباس اغدو بالسقا
ولا اخاف الشر یوم الملتقی

از مرگ نمی ترسم هنگامی که بانگ زند
تا وقتی که میان مردان کارآزموده افتاده و به خاک پوشیده شوم
جان من، بلاگردان جان پاک مصطفی است
من عباس هستم با مشک می آیم
و روز نبرد از شر نمی ترسم

چهار هزار نفر دور او را گرفتند و به سوی او تیر می انداختند تا مانع رسیدن وی به آب شوند. پس از ساعتها تشنگی و جنگ، عطش بر تمام وجودش چنگ انداخته بود. آب از زیر پای اسب روان بود و عباس را به خود می خواند. عباس مشتها را پر از آب کرد و به لب نزدیک نمود تا بیاشامد، اما به یاد تشنگی حسین علیه السلام و اهل بیت او افتاد. آب از کف بریخت، مشک را پر کرد، بر دوش راست انداخت و مرکب را به طرف خیمه ها تازاند.

لشکر دشمن برای آنکه همین چند جرعه آب به کام کودکان رسول الله نرسد راه را بر او گرفتند و از هر طرف بر او حمله کردند. عباس با آنها پیکار می کرد تا اینکه یکی از لشکریان با شمشیر دست راست وی را قطع کرد.

عباس قهرمان فریاد برآورد:

والله ان قطعتموا یمینی *** انی احامی ابدًا عن دینی

و عن امام صادق اليقين *** نجل النبي الطاهر الامين

به خدا سوگند حتی اگر دست راستم را قطع کنید
تاابد از آیینم دفاع خواهم کرد
و از امامی که صادق یقین است
همان، فزند امام ناک و امیر،



آنگاه مشک را به دوش چپ انداخت و شمشیر به دست چپ گرفت و از بین دشمن به راه خود ادامه داد که ناگهان، تیغی بر دست چپ حضرت وارد شد و آن را نیز قطع کرد. اما غریو شیر حیدر آسمان را پر کرد که:

یا نفس لا تخشی من الکفار *** و ابشري برحمة الجبار
مع النبي السيد المختار *** قد قطعوا ببغيهم يساري
فاصلهم يا رب حر النار

ای نفس! از کافران هراس به دل راه مده
و مزده باد بر تو که شایسته رحمت خداوند دستگیر شدی
در سایه پیامبر بزرگ صاحب اختیار
(خداوندا) دشمنان، با شقاوت دست چپم را نیز قطع کردند
پس ای خدا، آنان را به آتش خشم دچار کن

عباس ناامید نشد و مشک را به دندان گرفت تا به خیمه رساند.

ای مشک! تو لا اقل وفاداری کن *** من دست ندارم، تو مرا یاری کن
من وعده ی آب تو به اصغر دادم *** یک جرعه برای او نگهداری کن

اما تیر بعدی مشک را از هم درید و آنها را بر زمین داغ کربلا ریخت تا عباس علیه السلام دیگر مأیوس شود.

ای مشک! نگه کن تو به بالای سرم *** (زهرا) ست نشسته، آبروداری کن

لختی بعد، تیری به سینه مبارک حضرت علیه السلام نشست و وی را از اسب به زیر انداخت، تا کار تمام شود و لب تشنکان بی ساقی و حسین علیه السلام بی علمدار گردد.

سرانجام یکی از لشکریان دشمن به پیکر نازنین حضرت حمله کرد و با عمود آهنین بر فرق عباس زد که سر او- مانند فرق مبارک پدرش علی (ع)- شکافت و بر زمین افتاد و فریاد زد: «یا ابا عبدالله علیک منی السلام — برادرم خداحافظ».

امام علیه السلام خود را به پیکر بی دست برادر رساند و چون وی را دید که به شهادت رسیده است، فرمود: «الان انکسر ظهري و قلت حیلتی — اکنون کمرم شکست و راه چاره بر من بسته شد» ...

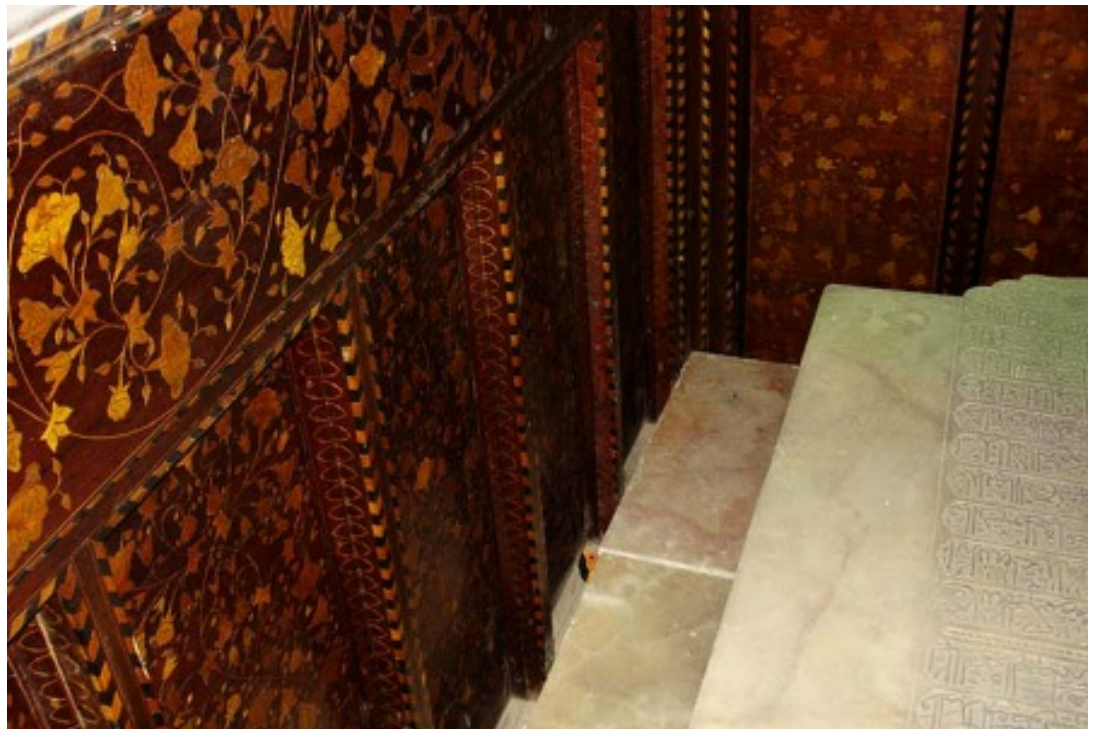
الا لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون.

بر روی مضجع مطهر و مبارک فرزند با کرامت امیرمومنان، حضرت ابوالفضل العباس (ع) صندوقی چوبی و خاتم کاری شده از بهترین انواع چوب ساج قرار داده شده است که دارای طول 3 متر، عرض 2.20 و ارتفاع 2 متر می باشد. به گزارش شفقتا درون این صندوق، صندوق چوبی میناکاری شده ی دیگری قرار دارد که با نقوش هندی مزین شده و به این آیه منور قرآن کریم مزین گردیده است:

"بسم الله الرحمن الرحيم : هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا" (سورة الإنسان - آية 1)

"آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکرى نبود"

زیر این صندوق چوبی، اتاقک مقبره ای قرار دارد که پیکر پاک مولا و سرورمان حضرت ابوالفضل العباس (ع) در آن آرمیده است.



در اینجا قطعه ای از سنگ مرمر مستطیلی شکل دیده می شود که بر این مقبره شریف و در طول بقعه حرم قرار گرفته و بر روی آن ابیات زیر نقش بسته است:

طاوولى قسبة السماء اعتلاء واكسفى الشمس رفعة واجتلاء

در بلندی از گنبد آسمان فراتر برو و بلندی و شکوه آسمان را بیوشان.

انت للخلد صخرة اثبتتتها قوة الحق فى الحياة بناء

تو برای جاودانگی، صخره ای هستی که نیروی حق در زندگی ساختار آن را ثابت نگه داشته است.

فیک کنز الإیمان طلسمه الله فضاعت فيه القرون هباء

گنج ایمان در توست که طلسمش خداوند است و قرن ها بر آن گذشته است.

هو رمز البقاء فى فلک لم یحو الا ما سوف یلقى الفناء

او رمز ماندگاری فلک است و اگر او نبود قطعا فلک نابود می شد.

بطل الطف فيك والطف افق جاوز الافق أنجماً وس_____ماء

قهرمان طف در توسست و طف افقی است که از افق ستارگان و آسمان فراتر رفت.

ها هنا قد ثوى أبا الفضل ذنباً ت_____سحر الروح روعة وصفاء

آری در اینجا ابوالفضل العباس مسکن گزیده است دنیایی که روح را در شکوه و آرامش مجذوب خود می کند.

ها هنا مشرق العقيدة زهو بشعاع غطى الوجود سناء

اینجا محل طلوع عقیده است و دارای پرتوی است که وجود را سرشار از نور می کند.

ها هنا جسمه الموزع مكنوز عليه ظ_____ل الاله أفاء

در اینجا پیکر پاره پاره ی حضرت ابوالفضل(ع) نهفته است و بر آن سایه خداوند برگشته است.

واليدان المقطوعتان تشيران لمعنى أعبى الح_____روف أداء

و دو دوست قطع شده که به مفهومی اشاره می کند که حروف از ادای آن ناتوانند.

أيها الصخرة العظيمة باهى بعلاه الأملاك والأن_____بياء

ای صخره عظیمی که فرشتگان و انبیا به واسطه بزرگی اش به خود می بالند.

رفع الله للحكيم مقام_____اً دونه يخشع الزمان احتذاء

خداوند مقام حکیم را بالا برد که در مقابلش روزگار سر فرود می آورد.

اية الله تم_____ا حداه باغ بق_____واه الا تلاشى عياء

نشانه ی خداوند که هیچ ستگری با نیروهایش نتوانست در برابر او مقاومت کند.

أشاء أن يسبق الحياة بمعنى عنه أعنى تفكيرها أي_____حاء

با آوردن معنایی در باره او، می خواهم از اندیشه و اشارات زندگی پیشی بگیرد.

بعد ما أنشأ الضريح نشيداً أسكر ال_____فن روعة وبهاء

پس از آنکه ضریح حضرت ابوالفضل سرودی را ایجاد کرد که عظمت و شکوه و جلال هنر را مست کرد.

أرسل الآية التى رفع_____تها قدرة الحق فى الخ_____لود لواء

نشانه ای را فرستاد که قدرت حق در جاودانگی پرچم آن را برافراشت.

صخرة ابدعتها فكرة الفن فلاحت قص_____يدة غراء

صخره ای که ایده فن آن را ابداع کرد و قصیده ای غرور انگیز را نمایان کرد.

وعليها رف مجد أبى الفضل فتزداد ش_____وكة وعلاء

در این قصیده بزرگواری ابوالفضل عباس(ع) ذکر شده و باعث افزایش شوکت و عظمت آن شده است.

صان فيها للجعفرية شأنا قد اغاض الحساد والاعداء

در آن شان و منزلت شیعه جعفری حفظ شده است که حسودان و دشمنان را به خشم واداشته است.

بارک الله فی عزیمة ابراهیم اذا حاکت القضاء مضاء

اراده ابراهیم مبارک باشد چه آنکه قضا و قدر در محکمی از آن تقلید کرد.

صارع الحادثات تلاشت دونه وازدها بـها کبرياء

با حوادث قضا و قدر درگیر شد و درمقابلش متلاشی شدند و کبریا به واسطه آن اراده به خود بالید.

فیلم سرداب گرد حرم حضرت عباس (ع) را مشاهده می کنید

لطفاً صبر کنید ...

<form/>